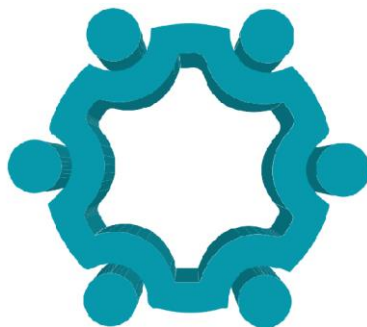


بسمه تعالی



همایون پیشرفت شبکه ایرانیان



عنوان طرح: سند مطالعاتی توسعه رسته پوشاک (بارویکرد زنجیره ارزش)

نام و نام خانوادگی مجری طرح: رضاتازمکی

مدت اجرای طرح: ۴ ماه

محل اجرای طرح: کل کشور

دی ۱۴۰۱

مقدمه

صنعت نساجی و پوشاک یکی از متنوع ترین و پراکنده ترین صنایع در جهان است که تجارت پر رونقی را ایجاد نموده است. این صنعت چه از نظر اقتصادی و چه از نظر مسئله اشتغال از اهمیت زیادی برخوردار است. چرا که نسبت سرمایه گذاری به اشتغال در این صنعت نسبت به سایر صنایع بسیار کمتر می باشد. اغلب کشورهای صنعتی و پیشرفته ابتدا کار خود را با صنایع نساجی شروع کردند و از این صنعت پلی ساختند تا به مرزهای باثبات اقتصادی و صنایع پیشرفته دسترسی پیدا کنند.

صنعت نساجی و پوشاک همواره به عنوان رکن اساسی هر جامعه ای محسوب می شود چرا که نیاز به پوشاک، انواع کفپوش ها، کیف و کفش و... از نیازهای اساسی هر فرد است. اهمیت این صنعت تا بدان جاست که بسیاری از کشورهای جهان جهش و انقلاب اقتصادی خود را بر پایه صنعت نساجی و پوشاک پایه گذاری می کنند که چین روشن ترین نمونه آن است. در کشورهایی نظیر هندوستان و پاکستان تقریباً سی درصد کل نیروی شاغل در صنعت آن ها در صنایع نساجی و پوشاک فعالیت می کنند. ترکیه سالانه درصد بسیار زیادی از صادرات خود را در زمینه نساجی و پوشاک انجام می دهد و نمونه های بسیار زیاد دیگری که می توان به آن ها اشاره کرد. صنعت پوشاک به جهت اینکه یک صنعت کارگر بر است نقش به سزایی را در اشتغال زایی افراد جامعه ایفا می کند و سرمایه گذاری در آن یکی از راهکارهای مفید کشور ها برای مبارزه با بیکاری است.

این صنعت یکی از صنایع اشتغال زا در جهان بوده و از نظر اقتصادی نیز صنعتی بسیار سودآور با ارزش افزوده بالا محسوب می گردد. گردش مالی این صنعت در دنیا سالانه به طور متوسط بالغ بر ۴۰۰ میلیارد دلار برآورد شده است. صنعت نساجی ۳٫۶ درصد و صنعت پوشاک ۲٫۳ درصد از کل تجارت جهانی را به خود اختصاص داده اند.

۱. بیان مسئله :

ارزش افزوده بالا، ارزآوری قابل توجه، وجود منابع عظیم نفت و گاز به منظور تامین مواد اولیه مورد نیاز، وجود زمین های مستعد برای کشت پنبه و نیروی کار نسبتاً ارزان، از جمله مزایای نسبی صنعت نساجی و پوشاک ایران می باشد. اما علیرغم تمامی مزایای این صنعت، صنعت پوشاک ایران، علیرغم نیاز بازارهای داخلی و جمعیت نزدیک به ۸۳ میلیون نفری ایران، نتوانسته است نیاز مصرف داخلی این جمعیت را پوشش دهد و مطابق با برآوردها، حدود ۵۵ الی ۶۰ درصد از مصرف داخلی پوشاک ایران توسط تولیدکنندگان ایرانی تأمین می گردد. عدم تأمین کافی پوشاک توسط تولیدکنندگان داخلی از یک طرف و از طرف دیگر تعرفه بالای گمرکی واردات پوشاک به ایران باعث شده است که بازارهای غیررسمی و قاچاق پوشاک به نحو گسترده ای در ایران شکل گیرد و تجارت پرسودی را برای واردکنندگان غیررسمی شکل دهد.

مطابق با برآورد بانک مرکزی، سرانه مصرف پوشاک در ایران به ازاء هر ایرانی در سال ۴ درصد درآمد سالانه می باشد که با توجه به جمعیت کشور، ارزش بازار پوشاک ایران حدود ۹ میلیارد دلار در سال برآورد می گردد که تنها نیمی از آن در اختیار تولید داخل می باشد.

طبق آمارهای رسمی و غیررسمی، اندکی بیش از ۵۵۰ هزار نفر در صنعت پوشاک کشور مشغول بکار می باشند حال آنکه یک بازار ۹ میلیارد

دلاری، در صورتی که بتواند پوشاک مورد نیاز خود را تأمین نماید، به بیش از ۱/۵ میلیون نفر نیروی کار ماهر برای تأمین این بازار، نیاز دارد که به لحاظ قابلیت اشتغال زایی برای کشوری که بیکاری مهم‌ترین مشکل اجتماعی و اقتصادی آن می باشد، قابل توجه بوده. صنعت پوشاک به دلیل کاربر بودن و همچنین ظرفیت بالای مصرف داخلی، می تواند به عنوان موتور محرکه و ارزش آفرین که زنجیره ارزش بزرگی را به تحرک و می دارد، برای توسعه اشتغال و توسعه اقتصادی در ایران، به شمار آید.

۲. اهداف اصلی طرح:

تدوین خط مشی و ارایه راهکار به منظور:

- افزایش ظرفیت تولید داخل
- افزایش صادرات پوشاک
- ایجاد اشتغال پایدار و کاهش نرخ بیکاری
- کاهش قاچاق پوشاک
- تولید مشترک و اتصال به برندهای بین المللی
- تأمین مالی مبتنی بر نیاز صنعت

۳. اهداف فرعی طرح:

- افزایش نرخ مشارکت بانوان
- ایجاد اشتغال برای حاشیه شهرهای بزرگ
- ایجاد اشتغال با حداقل سرانه سرمایه گذاری

۴. اهداف کاربردی:

ارایه برنامه ای علمی و کاربردی در قالب چارچوبی مدون به منظور ایجاد اشتغال پایدار از طریق افزایش توان تولید داخل پوشاک کشور و ورود به بازارهای بین المللی.

۵. نوع طرح:

- بنیادی ○ کاربردی ● توسعه ای ○

- * پژوهش بنیادی: پژوهشی است محض که عمدتاً فاقد نتیجه علمی فوری است.
- * پژوهش کاربردی: پژوهشی است که نتایج حاصل از آن در رفع نیازها و حل مشکلات به کار آید.
- * پژوهش توسعه ای: عمدتاً متوجه نوآوری در فرآیند و ابزارها و محصولات است.

۶. متدولوژی تحقیق:

الگوی توسعه زنجیره های ارزش، مفهومی تثبیت شده در سطح حکمرانی و سیاستگذاری در راستای اشتغال زایی و بهبود شاخص های اقتصادی است. زنجیره ارزش با افزایش ظرفیت اقتصادی و اشتغال مناطق از طریق رشد مستعدترین رشته های صنعت/کسب و کار به بهبود فراگیر شاخص های اقتصادی و اشتغال زایی در سطح یک کشور می انجامد. بدین منظور، سیاست هایی در راستای حمایت از بخش خصوصی، تسهیل انجام کسب و کار و مقررات زدایی در راستای شتاب بخشی به کسب و کارها، آسان سازی مراحل اداری و حذف مقررات زائد بر مبنای تحلیل کلیت زنجیره ارزش اتخاذ می شود. هدف از این سیاست ها، تسهیل کسب و کارها در بالاترین سطوح ممکن با تأکید بر فعالیت هایی که ارزش افزوده

بالا‌تری دارند و هم گام‌سازی و اصلاح مقررات با زنجیره‌های ارزش در مراحل راه‌اندازی، تولید، شبکه‌سازی و توزیع است. علاوه بر این، سیاست‌گذاری در حوزه دسترسی به اعتبار منطبق با الگوی زنجیره ارزش، در راستای کاهش هزینه‌های مالی بنگاه‌ها و بهینه‌سازی درونی روابط زنجیره بوده و به واسطه اعتباربخشی به محصولات که تقاضا و ارزش افزوده بالا‌تری دارند، ریسک تخصیص اعتبار به کسب‌وکارهای منفرد را کاهش داده و منجر به ارتقای رقابت‌پذیری درون زنجیره ارزش می‌شود. دسترسی به اعتبار در هماهنگی با الگوی زنجیره ای، این فرایند را عقلانی کرده و هدر رفت اعتبارات و تسهیلات را به پایین‌ترین حد می‌رساند.

اما وجه بارز و مهم‌تر مداخله بر مبنای تحلیل زنجیره‌های ارزش به اهمیت این روش در پیاده‌سازی اثربخش اقدامات توسعه‌ای مربوط می‌شود. روش‌های توسعه‌ای طراحی شده بر مبنای تحلیل زنجیره ارزش، با در نظر گرفتن وضع توانمندی‌ها و ظرفیت‌های موجود در منطقه، رسته یا گروه اجتماعی هدف از یک طرف و امکان‌پذیری اقدامات توسعه‌ای با توجه به ساختار حاکمیتی زنجیره و منافع ذی‌نفعان مختلف در کنار سودها و رانتهای اجزای مختلف زنجیره، سیاستها و برنامه‌های اجرایی را پیگیری می‌کنند که امکان موفقیت بیشتری دارند. در مرحله اجرا و پیاده‌سازی نیز در ترکیب با روش‌های به روز در زمینه ارزیابی و پایش امکان تحقق اهداف پروژه و اصلاح و تکمیل آن فراهم می‌گردد.

تجربه اجرا پروژه‌های توسعه زنجیره ارزش نشان داده است که در فاز بعدی امکان اتصال زنجیره‌های کسب و کار داخلی به زنجیره ارزش جهانی میسر بوده که در این حالت پایداری توسعه و پایداری کسب و کارهای متصل به این نوع زنجیره‌های ارزش عمودی، ارتقاء ویژه‌ای یافته و ماحصل آن رشد اقتصادی ملی و رشد بهره‌وری و افزایش صادرات ملی خواهد بود.

کشورهای در حال توسعه برای ورود به زنجیره ارزش جهانی مزیت‌های تعیین‌کننده‌ای همچون نیروی کار ارزان و دسترسی به مواد اولیه و حمل‌ونقل ارزان را دارند، اما از سوی دیگر ممکن است با توجه به سیاست‌گذاری‌های نابجا مبنی بر فقدان رویکرد یکپارچه‌نگر و دخالت متعین-های بیرونی بر مقررات‌گذاری‌ها با محدودیت‌های نهادی از جمله جنبه‌های مالی، توزیعی و تولیدی مواجه شوند. بسیاری از کشورها با چشم-داشت به موفقیت اقتصادهای درحال ظهور درون زنجیره ارزش اقدام به تعمیم الگوی زنجیره ارزش در رسته‌های مشخصی نموده‌اند که اتصال به زنجیره ارزش جهانی را امکان‌پذیر کرده است. بنا به گزارش WEF، کاهش محدودیت‌های زنجیره تأمین که به ویژه برای بنگاه‌های کوچک و متوسط تعیین‌کننده هستند در افزایش تولید ناخالص ملی تاثیر چشمگیری دارد. افزایش رقابت‌پذیری با کاهش محدودیت‌های زنجیره تأمین رابطه عکس دارد، و افزایش قوانین محدودکننده، سهم کشورها را در زنجیره ارزش جهانی کاهش می‌دهد.

در نهایت بعد مهم دیگر روشهای توسعه ای مبتنی بر تحلیل زنجیره‌های ارزش، مشارکتی و مبتنی بر نیاز و اعتماد و همکاری مردم بودن آنهاست. روشهای مشارکتی معمولاً به اتصال به فرآیندها و ساختارهای بزرگتر که علت‌های بنیادین ناکارآمدی‌ها هستند نمی‌پردازند و اقدامات محلی در سطح روستا یا شبکه‌ای از خانوارها و افراد و کسب‌وکارهای خرد را دنبال می‌کنند. اما در ترکیب با تحلیل زنجیره ارزش امکان هدف-گذاری‌های بلندتر برای ایجاد تحول نهادی، کارکردی و ساختاری فراهم شده و جهت استراتژیک مداخلات تأمین می‌گردد.

به عنوان نمونه در رویکردهای پیشین، اقداماتی نظیر اعطاء تسهیلات به روستاییان و یا حتی اقدامات پیشرفته تر نظیر توانمند سازی آنها به تنهایی نمی‌تواند منجر به پیشرفت پایدار منطقه ای و اشتغال پایدار گردد و در بهترین حالت منجر به ایجاد اشتغال معیشتی و ضعیف و عمدتاً موقت می‌شود حال آنکه ترکیب توانمند سازی مبتنی بر زنجیره‌های ارزش و در ترکیب و اتصال به زنجیره‌های محلی و ملی و شرکتهای موثر در سطح بین‌المللی می‌تواند یک بنگاه کوچک روستایی را در رشد اقتصادی کشور سهیم نموده و جزیی از زنجیره ارزش صادرات کالا نیز به شمار آید. در صورت حصول چنین رویکردی می‌توان به رشد همزمان اقتصادی و رشد اشتغال پایدار که در اصطلاح به آن رشد فراگیر گفته می‌شود، دست یافت.

۷. روش اجرایی:

برای انجام تحلیل زنجیره ارزش لازم است که با استفاده از روندها، میزان واردات و صادرات، قیمت‌ها، عملکردها، شاخص‌های اقتصادی، نظام سیاست تجاری و ...، موقعیت کشور در اقتصاد جهانی در آن رسته مشخص شده و در گام بعدی موقعیت کشور در بازار آن مورد تحلیل قرار

گیرد تا مبنایی محکم برای درک و فهم موضوعات مربوطه و روند صنعت/کسب و کار در کشور و بازارهای ملی، منطقه‌ای و جهانی به دست آید. در این قسمت به پرسش‌هایی نظیر روند بازار، روند قیمت محصول نهایی، ورودی‌های اصلی خام و واسطه، ساختار فعلی صنعت و بازار، سطوح رقابت و موانع ورود و خروج، بازارهای نهایی، کانال‌های بازار، تأمین‌کنندگان و بازارهای کلیدی، روند فناوری‌های کلیدی رسته، اثر قوانین بر صنعت و روند آن و ... پاسخ داده می‌شود. علاوه بر آن، جایگاه کنونی و جایگاه کشور در صورت اجرایی شدن رفع محدودیت‌های زنجیره ارزش هر رسته بررسی می‌شود؛ همچنین سیاست‌های رقابت‌پذیری کشورهای موفق منطقه، و روند و رویکردهای سیاست‌های جهانی بررسی شده و قیمت عوامل دخیل و سهم آنها از بازار بین المللی و داخلی مشخص می‌شود. پس از آن مطالعات در سطح ملی و منطقه ای و مبتنی بر مزیت‌های هر منطقه بررسی و تدوین شده و چارچوب مداخلات در هر رسته بر مبنای استراتژی توسعه رسته تعیین می‌گردد. در تدوین کلیه مراحل فوق از روشهای مصاحبه و جلسات با ذینفعان مختلف زنجیره ارزش از بخش خصوصی و صاحبان کسب و کارها، تا نهادها و انجمن‌ها و اتحادیه‌های مرتبط تا سازمان‌ها و دواير دولتی و نهادهای حکومتی و دیگر اثرگذاران بر زنجیره، اطلاعات جمع‌آوری و سپس با پایگاههای داده و آماری و اطلاعات کتابخانه‌ای، بررسی و اسناد بالادستی در حوزه‌های مختلف نیز مورد توجه قرار گرفته و در نهایت با روشهای علمی و آماری و همچنین روشهای کیفی، تحلیل و مورد ارزیابی و در نهایت تحریر و تدوین مطالعه انجام می‌گردد.

۸. خروجی و دستاوردهای مورد نظر:

- ۱- انجام مطالعات شناختی
- ۲- ارائه راهبردها، سیاست‌ها، اقدامات اجرایی برای توسعه رسته پوشاک
- ۳- ارائه برنامه عملیاتی برای توسعه رسته پوشاک با رویکرد ایجاد اشتغال

۹. مدت زمان مورد نیاز :

مدت زمان مورد نیاز بر اساس جدول ذیل ۴ ماه شمسی می باشد.

زمانبندی اجرای طرح				
شماره فاز	شماره فاز	زمان شروع	زمان پایان	بودجه (ریال)
فاز ۱	فصل اول: مقدمه، بیان مسئله، بررسی اسناد بالادستی و قوانین، تاریخچه نساجی، جایگاه نساجی و پوشاک در دنیا، وضعیت تقاضا و عرضه، چرایی انتخاب رسته پوشاک، اهمیت به لحاظ توسعه رسته پوشاک) فصل دوم: بررسی اجمالی رسته پوشاک در سطح بین المللی و ملی (عرضه، تقاضا، واردات و صادرات، حجم تولید و فروش، بررسی روندها، مواد اولیه، سرانه و ...)	۱۴۰۱/۱۰/۲۰	۱۴۰۱/۱۲/۱۰	۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰
فاز ۲	فصل سوم: تحلیل زنجیره ارزش پوشاک فصل چهارم: بررسی مسائل استراتژیک توسعه رسته پوشاک	۱۴۰۱/۱۲/۱۱	۱۴۰۱/۰۱/۲۰	۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰
فاز ۳	فصل پنجم: اولویت بندی مسائل و راهکارها، ارائه برنامه عملیاتی	۱۴۰۲/۰۱/۲۱	۱۴۰۲/۰۲/۲۰	۵۰,۰۰۰,۰۰۰
جمع کل: دو میلیارد و پانصدمیلیون ریال				۲,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰

۱۰. بودجه مورد نیاز طرح :

دو میلیارد و پانصد میلیون ریال می باشد.

۱۱. مشخصات مجری و همکاران :

نام و نام خانوادگی مجری طرح: رضا تازیکی فرزندان: محمد متولد: ۱۳۵۷					
تلفن همراه: ۰۹۱۵۳۱۵۱۳۳۳					
آدرس: مشهد، بلوار امامت، امامت ۳۲، پلاک ۸۳، واحد ۵.					
جدول سوابق علمی و اجرایی مجری و همکاران					
ردیف	نام و نام خانوادگی	سمت همکاری	درجه تحصیلی	رشته تحصیلی	سوابق اجرایی و علمی
۱	رضا تازیکی	مجری	کارشناسی ارشد	صنایع	مدیر ملی پروژه تکاپو مدیر عامل شرکت پیشگامان پیشرفت و آبادانی ایرانیان صادرکننده نمونه
۲	علیرضا فراهانی	همکار	دکتری	برنامه ریزی و توسعه شهری	پژوهشگر
۳	عیسی منصوری	همکار	دکتری	صنایع	معاون سابق توسعه کارآفرینی و اشتغال وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی